



# تاریخ فلسفه غرب ۱

( رشته الهیات )

دکتر مهدی زمانی

زمانی، مهدی

تاریخ فلسفه غرب (۱) / تألیف مهدی زمانی. — تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.

دوازده، ۲۲۱ ص. — (دانشگاه پیام نور: ۱۳۱۴. گروه الهیات: (۷۷/۱))

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۱۹ — ۲۲۱.

۱. آموزش از راه دور — ایران. ۲. فلسفه — تاریخ — آموزش برنامه‌ای.

الف. دانشگاه پیام نور. ب. عنوان.

۳۷۸ / ۱۷۵۰۹۵۵

۷۸۷ از ۹ الف / LC ۵۸۰۸

۳۶۱۶ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران



دانشگاه پیام نور

تاریخ فلسفه غرب ۱

دکتر مهدی زمانی

ویراستار علمی: افلاطون صادقی

طراح آموزشی: دکتر مهدی زمانی

نمونه خوانی: مدیریت تدوین

طراح جلد: آتنا عسگری فر

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول تیر ۱۳۸۵

شابک ۶ - ۲۴۱ - ۳۸۷ - ۹۶۴

ISBN 964 - 387 - 241 - 6

کلیه حقوق برای دانشگاه پیام نور محفوظ است.

قیمت: ۱۵۱۰۰ ریال

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار ناشر

کتابهای دانشگاه پیام‌نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف به صورت درسنامه، آزمایشی، قطعی، متون آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شود. کتاب درسنامه (د) نخستین ثمره کوششهای علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصلهای مصوب تهیه می‌شود و پس از داوری علمی در گروههای آموزشی، بدون طراحی آموزشی و ویرایش چاپ می‌شود. با تجدیدنظر صاحب اثر و دریافت بازخوردها و اصلاح نارساییها، درسنامه با طراحی آموزشی، ویرایش، و طراحی فنی - هنری به صورت آزمایشی (آ) چاپ می‌شود. با دریافت نظرهای اصلاحی، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و کتاب به صورت قطعی (ق) چاپ می‌شود. در صورت ضرورت، در کتابهای چاپ قطعی نیز تجدیدنظرهای اساسی به عمل می‌آید یا متناسب با پیشرفت علوم و فناوری بازنویسی می‌شوند. متون آزمایشگاهی (م) متونی است که دانشجویان با استفاده از آن و راهنمایی مربیان کارهای عملی آزمایشگاهی را انجام می‌دهند. کتابهای فرادرسی (ف) و کمک‌درسی (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه می‌شوند. کتابهای فرادرسی با تأیید معاونت پژوهشی و کتابهای کمک‌درسی با تأیید شورای انتشارات تهیه می‌شوند.

مدیریت تدوین کتاب

## فهرست مطالب

| هفت<br>نه | پیشگفتار<br>مقدمه                                    |
|-----------|------------------------------------------------------|
| ۱         | فصل اول: فلسفه پیش از سقراط                          |
| ۲۷        | فصل دوم: دوره سقراطی                                 |
| ۴۵        | فصل سوم: افلاطون (۱)                                 |
| ۶۷        | فصل چهارم: افلاطون (۲)                               |
| ۸۷        | فصل پنجم: ارسطو (۱)                                  |
| ۱۰۷       | فصل ششم: ارسطو (۲)                                   |
| ۱۲۷       | فصل هفتم: کلیان ، رواقیان ، اپیکوریان و نوافلاطونیان |
| ۱۴۹       | فصل هشتم: قرون وسطی (۱)                              |
| ۱۶۹       | فصل نهم: قرون وسطی (۲)                               |
| ۱۸۹       | فصل دهم: قرون وسطی (۳)                               |
| ۲۱۵       | پاسخ خودآزماییها                                     |
| ۲۱۹       | منابع                                                |

## پیشگفتار

کتاب حاضر برای تدریس درس دو واحدی تاریخ فلسفه غرب (۱) در دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام اسلامی نگاشته شده است و بر همین اساس تلاش گردیده تا مطالب تا جائیکه امکان دارد به طور روشن بیان گردد تا دانشجوی دانشگاه پیام نور که در نظام آموزش از راه دور به تحصیل می پردازد بتواند از آن به عنوان خودآموز استفاده کند. البته بهره گیری کامل از کتاب مستلزم مطالعه دقیق و شرکت در کلاسهای رفع اشکال می باشد تا ایراداتی که دانشجو در حین مطالعه به آن برخورد می نماید مرتفع گردد.

کتاب حاضر در ده فصل تنظیم گردیده و هر فصل با اهداف رفتاری آغاز می گردد و با خودآزمایی پایان می پذیرد. مطالعه اهداف رفتاری پیش از ورود به هر فصل نوعی آمادگی برای فهم مطالب ایجاد می کند و پاسخگویی به خودآزمایی علاوه بر سنجش یادگیری زمینه را برای بازگشت به مطالب و امعان نظر در آنها فراهم می آورد.

لازم به ذکر است که برای رعایت اختصار و محدود بودن حجم کتاب درسی از ذکر کامل ارجاعات در هر فصل صرف نظر گردید و همچنین در بیان آراء فلاسفه فقط مهم ترین آن آراء گزینش شده است. از همه کسانی که در کلیه مراحل انجام این امر به من کمک کرده اند کمال امتنان و قدردانی را دارم و از بابت عیوب و نواقص این اثر از همگان پوزش می خواهم. از خوانندگان این اثر و به ویژه از اساتید گرانقدر استدعا دارم در جهت رفع ایرادات به وسیله راهنمایی های مشفقانه خویش مرا بهره مند سازند.

والسلام علی عبادالله الصالحین

مهدی زمانی

## مقدمه

«فلسفه» چیست؟ «تاریخ» چیست؟ «غرب» به چه معناست؟ و «تاریخ فلسفه غرب» یعنی چه؟ آیا «تاریخ فلسفه» با «تاریخ فلاسفه» یکی است و آیا هردوی اینها با «مطالب فلسفی» فرق دارند؟ آیا فلسفه در تاریخ دارای دوره‌های مشخصی است؟ آیا تاریخ فلسفه بررسی تاریخی فکر فلاسفه است یا توضیح جریان فلسفه در تاریخ؟ آیا تاریخ فلسفه فقط باید به ذکر عقاید فلاسفه بپردازد یا به بحث و بررسی و نقد آن آراء همت گمارد؟ بررسی آراء و افکار فلاسفه چه لزومی دارد؟ موضع نویسنده تاریخ فلسفه چه تأثیری در نقد و بررسی آراء فیلسوفان دارد؟ آیا مورخ فلسفه می‌تواند از هر نوع موضع‌گیری در تاریخ فلسفه پرهیز کند؟ درباره این سؤالات می‌توان به تفصیل بحث کرد. اما در این مقدمه تلاش می‌کنیم تا به اختصار به بعضی از مسائل مطرح شده بپردازیم.

درباره مفهوم تاریخ و روشها و منابع آن اختلافات زیادی وجود دارد. اما ما می‌توانیم در یک تعریف «تاریخ را سرگذشت وقایع در گذر زمان» بدانیم. اگر علم خاصی موضوع تاریخ قرار گیرد در تاریخ آن علم به سیر آن علم در گذر زمان پرداخته می‌شود. مثلاً تاریخ فیزیک سیر تحول علم فیزیک در گذر زمان است و با خود علم فیزیک فرق دارد. از دیدگاهی می‌توان در مورد فلسفه نیز همین را ادعا کرد که فلسفه علم خاصی است و سیر تحول آن از گذشته تا امروز «تاریخ فلسفه» به حساب می‌آید. اما باید توجه کنیم که از لحاظی دیگر برخلاف تاریخ علم که امری جدای از علم است تاریخ فلسفه از فلسفه جدا نیست. «فیزیک» شاخه‌ای از علم است و «تاریخ فیزیک»

چگونگی دست‌یافتن به این علم را در زمان توضیح می‌دهد، بنابراین موضوع تاریخ فیزیک با فیزیک متفاوت است. اما تاریخ فلسفه به یک معنا خود فلسفه است زیرا مطالعه فلسفه بیشتر مطالعه سیر تأثیر و تأثر اندیشه‌های فلاسفه درباره موضوعهای فلسفی است:

«اصطلاح «فیزیک» و «نوشته‌های نیوتن، اینشتین و دیگر فیزیک‌دانان بزرگ» از نظر معنا برابر نیست، اما اصطلاح «فلسفه» و «آثار افلاطون، ارسطو، کانت، هگل و سایر فیلسوفان بزرگ» از لحاظ معنا تقریباً برابر است. آثار بزرگان فلسفه بیشتر از سایر رشته‌ها موضوع فلسفه را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

پس، از لحاظی می‌توانیم «تاریخ فلسفه» را از خود فلسفه جدا کنیم اما از لحاظ دیگر چنین کاری خطاست. اما آیا «تاریخ فلسفه» با «تاریخ فلاسفه» فرق دارد؟ اگر مقصود از تاریخ فلاسفه ذکر احوال، آثار و آراء فیلسوفان باشد و به معنایی صرفاً وقایع‌نگاری تلقی گردد مسلماً با تاریخ فلسفه متفاوت خواهد بود. به ویژه اگر مراد از «تاریخ فلسفه» بررسی سیر تحول و جریان تفکر یا ماجرای فکر باشد، زیرا در این صورت موضوع تاریخ فلسفه نوعی جریان تأثیر و تأثر اندیشه‌ها و تطور افکار است و این با «تاریخ فلاسفه» فرق دارد. اما از لحاظ دیگر فرق نهادن میان «تاریخ فلاسفه» با «تاریخ فلسفه» امری تفتنی است و این هنگامی است که در «تاریخ فلاسفه» به نحوه پیدایش آراء و تأثیر و تأثر متقابل فیلسوفان در موضوعات فلسفی پرداخته شود و به صرف وقایع‌نگاری اکتفا نگردد.

البته بیشتر کسانی که تاریخ فلسفه را از تاریخ فلاسفه جدا می‌کنند تلاش دارند که فلسفه را جریانی تاریخی معرفی کنند که موضوعات، روشها و مسائل آن در گذر تاریخ نضج می‌یابد. اینان بر ویژگی «تاریخیت» مسائل فلسفی تأکید می‌ورزند. اما باید توجه داد که این دیدگاه براساس انتخاب موضع خاصی در قبال فلسفه، تاریخ و یا «فلسفه تاریخ» است.

مثلاً هگل در باب تاریخ فلسفه موضع خاصی دارد و براساس همین موضع

۱. هالینگ دیل، مبانی و تاریخ فلسفه غرب، ۱۴

تاریخ فلسفه را به دوره‌های مشخص تقسیم می‌کند و این از نگرش خاص او درباره فلسفه تاریخ ناشی می‌شود:

«مورخان فلسفه صرفاً عقاید نگارانی بودند که اقوال نحله‌ها و فرقه‌ها را در مقابل هم می‌گذاشتند و به شمارش لغزشها و گمراهیها می‌پرداختند و یا احیاناً از نحله‌ای در مقابل تمام نحله‌های دیگر دفاع می‌کردند. بزرگترین تحولی که در سنت تاریخ‌نگاری فلسفه پدید آمد حرکتی بود که در قرن هیجدهم با فیلسوف آلمانی، هگل آغاز شد. هگل به فلسفه به عنوان حقیقت واحد نگریست که در طول تاریخ مراحل کمال را طی کرده و مکاتب مختلف و فرقه‌ها و نحله‌های گوناگونی که پدید آمده است در مقابل یکدیگر نبوده بلکه جنبه‌ها و مظاهر گوناگون آن حقیقت بوده است»<sup>۱</sup>.

در ارزیابی دیدگاه فوق باید بگوییم مسلماً تاریخ فلسفه با نقل و حکایت و مطالب مستقل و بدون ارتباط با یکدیگر یا گردآوری عقاید فرق دارد چه در این صورت فقط فهرستی از عقاید گوناگون را پیش‌رو داریم. بر همین اساس مسلماً تاریخ فلسفه باید به تحلیل پردازد و کیفیت تأثیر و تأثر عقاید و رابطه آراء با یکدیگر و نقش هر فکر در پیدایش افکار بعدی را توضیح دهد و به خود فلسفه روی آورد. اما نباید فلسفه تاریخ خود را بر تاریخ فلسفه تحمیل کرد و با ارائه طرحی قبلی و از پیش پذیرفته شده به بررسی نظامهای فلسفی پرداخت. این درست است که نگرش ما درباره تاریخ فلسفه با «دیدگاه فلسفی» ما مرتبط است و تحلیل ما از نظامهای فلسفی مختلف مبتنی بر موضع فکری ماست اما بایستی تا حد امکان به جای مطالعه تاریخ فلسفه از رهگذر فلسفه‌های از پیش مفروض، به مطالعه خود تاریخ فلسفه پرداخت. معمولاً تاریخهای فلسفه در پرتو فلسفه‌های تاریخی نوشته شده‌اند که مورخان آنها از پیش فرض کرده‌اند و در نتیجه خطاهای ایشان در فلسفه تاریخ به تاریخ فلسفه آنان راه یافته و آن را معیوب کرده است. برای پرهیز از چنین امری باید تا حد امکان برای فهم آراء از اظهار نظر و داوری قبلی درباره آنها احتراز کرد، گرچه از این سخن نباید نتیجه

---

۱. شریف م.م، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۱ پیشگفتار از آقای دکتر نصراله پورجوادی

گرفت که تحلیل و نقد و ارزیابی آراء فلاسفه در تاریخ فلسفه جایی ندارد و فقط به انباشت اطلاعاتی درباره آنها باید اکتفا نمود.

درباره تقسیم تاریخ فلسفه به دوره‌های مختلف نیز اختلافات زیادی وجود دارد و هریک از این تقسیم‌بندیها معرف نوعی دیدگاه خاص درباره تاریخ فلسفه می باشد. در اینجا کافی است به یک تقسیم‌بندی که از شهرت بیشتری برخوردار است اشاره شود. براساس این تقسیم‌بندی تاریخ فلسفه غرب به سه دوره تقسیم می گردد:

۱. دوره فلسفه باستان، ۲. دوره قرون وسطی، ۳. دوره جدید.

همین تقسیم‌بندی با تفصیل بیشتر برای تاریخ فلسفه غرب پنج دوره در نظر می گیرد.

۱. دوره فلسفه یونان: از قرن ششم پیش از میلاد تا اواخر قرن چهارم پیش از میلاد این دوره از نخستین آثار فلسفی که از سرزمین یونان باقی مانده است آغاز می گردد و تا پایان دوره استقلال یونان ادامه می یابد.

۲. دوره فلسفه رومی - یونانی: از اوایل قرن چهارم پیش از میلاد تا قرون اولیه میلادی ادامه می یابد. در این دوره با حمله اسکندر مقدونی، یونانیان زیر سلطه مقدونیان قرار می گیرند و سپس امپراطوری روم بر یونان استیلا می یابد.

۳. دوره فلسفه قرون وسطی: از قرون اولیه میلادی (قرن سوم و چهارم) تا رنسانس (قرون چهاردهم و پانزدهم) ادامه دارد. ویژگی اصلی این دوره حاکمیت مسیحیت بر اروپا و پیوند فلسفه با مسیحیت است.

۴. دوره فلسفه جدید: از قرون چهاردهم و پانزدهم تا قرن معاصر را در بر می گیرد. آغاز فلسفه جدید، تجدید حیات یا نوزائی (رنسانس) در اروپا است که با پیدایش آن مفهوم تازه‌ای درباره جهان و انسان ایجاد می گردد.

۵. دوره فلسفه معاصر: مکاتب فلسفی که در قرن بیستم ایجاد شده را در بر می گیرد. براساس سرفصل مصوب، درس «تاریخ فلسفه غرب (۱)» شامل سه دوره اول می شود یعنی سیر فلسفه از آغاز تا آخر قرون وسطی را در بر می گیرد. در کتاب حاضر برحسب اهمیت مطالب، فصول یکم تا ششم به دوره اول یا فلسفه یونان اختصاص یافته است. فصل هفتم کتاب از فلسفه رومی - یونانی و سه فصل آخر از دوره فلسفه قرون وسطی بحث می کند.